

کشتار فارسیان در طول سال‌های جنگ جهانی اول

(۱۹۱۴-۱۹۱۸ م / ۱۳۳۲-۱۳۳۶ ق)

ظریفه کاظمی^۱

علی احسانی مقدم^۲

فاطمه اسفندیاری^۳

چکیده

قدرت‌طلبی و تجربه و پیشرفت انقلاب صنعتی اروپا، عقب ماندگی اقتصادی و سیاسی شرق، راهگشایی عمیقی را برای یورش کشورهای قدرتمند اروپایی و تصرف منابع مشرق زمین هموار و نیز رقابت تنگاتنگی را بین آنان سبب شد. جنگ جهانی اول و قحطی بزرگ بین سال‌های ۱۹۱۷-۱۹۱۹م/ ۱۳۳۵-۱۳۳۷ق، در جنوب ایران به دلیل رقابت انگلیسی‌ها و آلمانی‌ها در منطقه و در ادامه کمبود ارزاق و شیوع بیماری‌های مختلف و تلفات انسانی ناشی از پیامدهای جنگ؛ یکی از دردناک‌ترین رویدادهای تاریخ ایران بوده است. در آن زمان ایران در عین اعلام بی‌طرفی، بزرگ‌ترین قربانی جنگ جهانی اول بود. فارس در آستانه جنگ، اوضاع اجتماعی مساعدی نداشت. وجود دو ایل قشقایی و خمسه عامل تعیین‌کننده‌ای در اوضاع سیاسی آن داشت. عدم تدبیر مناسب از جانب دولت نیز منجر به تلف شدن بسیاری از جمعیت شهری، روستایی و عشایری و نابودی محصولات آنها و سوءاستفاده قدرت‌های خارجی در آن زمان می‌گردید. برپایه مدارک و اسناد تاریخی در این مقاله سعی شده است به تحقیق درباره کشتار متأثر از جنگ جهانی اول در فارس پرداخته شود.

کلیدواژه‌ها: جنگ جهانی اول، فارس، کشتار، قحطی، اشغال.

۱- دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه لرستان.

۲- کارشناس کتابداری و اطلاع‌رسانی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (مدیریت فارس).

۳- دانشجوی دکتری کتابداری و اطلاع‌رسانی، کارشناس آموزش سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

مقدمه

ایران به دلیل موقعیت استراتژیکی همواره مورد توجه کشورهای قدرتمند بوده است. در سال‌های جنگ جهانی اول این منطقه توسط متفقین اشغال شد تا امکانات و تجهیزات نظامی مورد نیاز روس‌ها توسط نیروهای انگلیسی از طریق خاک ایران که نزدیک‌ترین و مطمئن‌ترین راه به روسیه بود، انتقال یابد. نیروهای انگلیسی مستقر در ایران از آذوقه و امکانات حمل و نقل استفاده می‌نمودند که همین امر سبب مشکلات و مصایب متعددی در داخل کشور گردید، به طوری که سبب کمبود و قحطی، گرانی، احتکار، تورم و بالاخره کاهش ارزش پول شد. فارس به دلیل مجاورت با خلیج فارس و محل ورود و خروج نیروهای متفقین اشغال شده و از این نظر تحت فشار اقتصادی و نظامی اشغالگران قرار گرفت. قحطی، فقر، گرانی، بیماری و مرگ‌ومیر و کشتار مردم از جمله وقایع مهم در فارس بود که تحت تأثیر شرایط اشغال در ایالت مذکور رخ داد.

این پژوهش با استفاده از شیوه توصیفی و تحلیلی و از منابع کتابخانه‌ای و آرشیو اسناد ملی درصدد است تا به پرسش‌های زیر پاسخ بدهد: آیا عواملی در بروز قحطی و گرسنگی نقش داشتند؟ چگونه جنگ جهانی اول سبب تلفات مردم در فارس گردید؟

با توجه به موضوع پژوهش که «کشتار فارسیان در خلال جنگ جهانی اول به روایت اسناد» می‌باشد، هنوز پژوهش مستقلی صورت نگرفته است. اما در لابلای منابع به مطالب پراکنده ای می‌توان دست یافت، که به برخی از آنها پرداخته می‌شود.

جیمز مابریلی در کتاب خود تحت عنوان عملیات در ایران که بیشتر کتابی نظامی محسوب می‌گردد تا سیاسی، شرح بسیاری از اقدامات واحدهای انگلیسی در شرق - شمال و بخصوص جنوب ایران را آورده است. ارتباط عمال آلمانی با خوانین قشقایی، تشکیل پلیس جنوب، سیاست‌های انگلیس در اروپا و آسیا را نیز با نقشه‌های دقیق نظامی بسیار خوب تشریح نموده است.

فلوریدا سفیری در کتاب خود با عنوان پلیس جنوب ایران اس پی آر ترجمه منصوره اتحادیه با سعی و همت زیاد مسایل متنوعی را مورد بررسی قرار می‌دهد. وضعیت اسفبار کشور به لحاظ سیاسی، نظامی و اجتماعی، شرایطی را برای حضور فعال نیروهای نظامی بیگانه در ایران مهیا کرد.

کتاب نهضت آزادیخواهی مردم فارس در انقلاب مشروطه به کوشش جهانگیر قائم مقامی در سال ۱۳۵۹ منتشر شد. این کتاب مجموعه اسنادی از سال ۱۳۲۳ ق، است که همزمان با آغاز مشروطه‌خواهی در ایران می باشد و بین غلامحسین خان وزیر مخصوص حاکم فارس و عین‌الدوله صدراعظم وقت و عده‌ای از علمای شیراز رد و بدل شده است. محتوای نامه‌های این کتاب مشکلات حاکم و خواسته‌های مردم شیراز است.

مقاله‌ای تحت عنوان «فارس و جنبش مشروطه خواهی» تألیف محمدباقر وثوقی در سال ۱۳۸۳ منتشر گردید، نویسنده مذکور در منابع اثر خود از روزنامه‌های اخوت هفتگی، استخر، ندای اسلام شیراز و مظفری استفاده کرده و به طور کلی نقش قوام و خاندانش و دو دستگی بین هواداران او را در شیراز بیان می‌کند.

۱- درآمدی بر جنگ جهانی اول و فرمان احمدشاه مبنی بر بی‌طرفی ایران

جنگ جهانی اول با حضور متفقین شامل کشورهای روسیه، فرانسه و انگلیس و متحدین شامل کشورهای اتریش، آلمان، عثمانی، ایتالیا و ژاپن، جهان را درگیر جنگی بزرگ و خانمانسوز کرد که ایران آن روزگار را به دلیل موقعیت مهم استراتژیکی که داشت، تحت تأثیر قرار داده و اشغال شد. وقوع این جنگ دهشتناک ۱۳۳۲-۱۳۳۶ ق / ۱۹۱۴-۱۹۱۸ م، در ایران پس از تاج‌گذاری احمدشاه آخرین شاه قاجار، آغاز گردید. با وجود آن که ایران در زمان سلطنت احمدشاه قاجار و صدارت مستوفی‌الممالک بود، فرمان احمدشاه مبنی بر اعلان «بی‌طرفی» دولت در ۱۲ ذیحجه ۱۳۳۲ ق، به دولت‌های مذکور اعلام شد اما نیروهای درگیر در جنگ این بی‌طرفی را عملاً و مکرراً نقض کردند و از این رهگذر خسارات فراوانی به کشور ایران وارد

آمد و فارس هم از پیامدهای جنگ در امان نماند. این جنگ به هرج و مرج سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دامن زد؛ قحطی و کشتار کم سابقه‌ای را به ایرانیان تحمیل کرد.

احمدشاه قاجار طی سندی که در آرشیو اسناد ملی موجود می‌باشد، ضمن اعلام بی‌طرفی همه عمال حکومتی را موظف دانست که با هیچ یک از طرفین درگیر در جنگ همکاری نداشته باشند (آرشیو اسناد ملی ایران، ۱۸۷۶۵/۲۹۳۰).^۱ رونوشتی از همین فرمان به همه ایالات از جمله فارس ارسال گردید، تا کوتاهی در اجرای امر شاه صورت نگیرد. اما مسئله قابل توجه این است که حکومت وقت به دلیل ضعف سیاسی و نظامی توان حفظ بی‌طرفی را نداشت.

در تاریخ شنبه دوم شوال ۱۳۳۳ق قوای نظامی انگلیس بندر بوشهر را تصرف و افراد ژاندارم را خلع سلاح کردند و ادارات دولتی را رسماً در اختیار گرفتند. چند روز بعد عواید تلگرافخانه را نیز ضبط کردند. پس از این وقایع مشاورالممالک معاون وزارت خارجه، به سفارت انگلیس رفت و درباره اشغال بندر بوشهر، با اولیای سفارت انگلیس مذاکره کرد، ولی نتیجه‌ای نگرفت و موکول به مذاکره با وزیر خارجه شد (کحال‌زاده، ۱۳۶۳: ۹۱-۹۰). در طی نامه‌ای که به صورت رمز نوشته شده بود، ورود نیروهای انگلیسی به بوشهر تأیید گردید (مرکز اسناد ملی ایران، ۲۹۰۰۰۷۲۰۴). هنگامی که انگلیس بوشهر را قبضه کرد، روی تمبر پست ایران، «بوشهر در تصرف انگلیس»^۲ را نوشتند (هدایت، ۱۳۶۱: ۲۷). اقدامات خصمانه و تحریکات مداوم انگلیسی‌ها در منطقه مانند: اشغال بندر بوشهر، پایین کشیدن پرچم ایران و بالا بردن پرچم انگلیس به جای آن، تخریب نخلستان قریه دلوار، دستگیری و تبعید اتباع آلمانی مقیم بوشهر، همگی ناقض بی‌طرفی ایران در جنگ بود (فخرایی، ۱۳۸۳: ۱۹۰).

مسایلی از جمله شورش‌های محلی و همچنین وجود منافع مشترک باعث نوعی همکاری فی مابین دولت ایران و انگلیس گردیده بود. اما رفت و آمد هیئت‌های انگلیسی به خلیج فارس

^۱ - پیوست شماره ۱.

^۲ - Bushir under Biritish occupation

و صفحات جنوبی ایران به خصوص فارس نوعی ارتباط عمیق میان این مناطق و آن دولت به وجود آورد به طوری که در دوره قاجاریه روند توسعه نفوذ انگلیس در ایران در تمام جنبه‌ها ادامه داشت. فارس نیز به عنوان پایگاهی که مورد استفاده آن دولت بود از جهاتی برای انگلیسی‌ها اهمیت بیشتری داشت (احمدی‌فر، ۱۳۸۰: ۵۰).

با انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ دولت انگلیس برحسب توافق کذایی و براساس ضرورت موقعیت خود مجبور به استقرار در جنوب ایران بود، زیرا در این زمان دولت روسیه نیز با تمام قوا در شمال ایران و منطقه شمالی قرارداد ۱۹۰۷ مستقر شده بود. یکی از اهداف مهم دولت انگلیس با استقرار در فارس تلاش برای وابسته نمودن حکام فارس به سیاست‌ها و اعمال دولت انگلیس بود. البته وابستگی حکام نسبت به دولت انگلیس نیز برحسب ضروریات روزگار بود، چه در مواقعی که ضرورت اقتضاء می‌کرد، این دولت نیز سعی در ایجاد تزلزل در مقام و موقعیت هر کدام از حکام فارس و ایران داشت (کیانفر، ۱۳۳۶: ۸۰-۸۲).

همچنین در مرحله بعدی می‌بایست یادآوری نمود که در طول سال‌های ۱۳۱۷-۱۳۲۰ ق/ ۱۸۹۹-۱۹۰۲ م، که مشکلات سیاسی و مالی انگلیس در سایر مناطق مستعمراتی کمتر گردید به نوعی به وضعیت ایران سر و سامان بیشتر داد و از هر نوع پایگاه و امکانات از جمله حکومت‌های محلی می‌بایست سود جسته و از آن برای برتری خویش استفاده برد. این مسأله نیز گواه بر آن می‌باشد که چرا دولت انگلیس سعی وافری داشت تا نگذارد مناطق ایران به دست سایر حریفان قرار بگیرد، چون این ناحیه دهانه و معبر ورود به هندوستان برای آن دولت محسوب می‌شد. در این راستا قرارداد ۱۹۰۷ نتوانست به طور کامل جلو نفوذ روسیه را سد نماید. زیرا از سال ۱۹۰۲ م، دولت روسیه با نفوذ خود در بین خوانین، ایلات بختیاری، فارس و همچنین گسترش نفوذ در خلیج فارس وحشت‌ناک را برای انگلیس به وجود آورده بود، این مسئله نوعی هوشیاری زیاده‌تری را توسط انگلیس می‌طلبید، برای اینکه کمترین اشتباه زیان‌های جبران‌ناپذیری را برای آن حکومت در پی داشت (محمود، بی‌تا: ۹۲، ۹۸-۹۹).

۲- پیشینه‌ای کوتاه از حضور انگلیسی‌ها در فارس و تشکیل پلیس جنوب

فارس یکی از سرزمین‌های تأثیرگذار و نقش‌آفرین در تحولات سیاسی کشور در طی قرون و اعصار مختلف بوده است. شرایط اقلیمی فارس، قرار داشتن آن در موقعیت استراتژیکی و ارتباط بخش‌های داخلی آن با خلیج فارس باعث گردید تا همواره به عنوان یکی از قدیمی‌ترین مراکز تمدن دنیا، مطرح و دارای تاریخی برجسته باشد که دارای اهمیت فراوانی می‌باشد. از میان رویدادهای مختلف سیاسی تاریخ معاصر ایران و فارس، دوره جنگ جهانی اول بسیار حائز اهمیت است که بررسی تاریخ هر کدام از این دوره‌ها و اتفاقات آن با تکیه بر اسناد از اهمیت فراوانی برخوردار است.

از نظر سایکس، علت فعالیت شدید دولت آلمان برای به جنگ کشاندن ایران و همچنین تحریک دولت عثمانی در همراهی با سایر دول برای ایجاد مزاحمت در مقابل روسیه و انگلیس، بود که آن دولت سعی در اعزام هیأت‌های مختلفی به ایران و سایر قسمت‌ها نمود. واسموس آلمانی نیز به عنوان مجری چنین طرح‌هایی در بوشهر و فارس بسیار فعالیت داشت، و به ترغیب قبایل قشقایی و تنگستانی به شورش پرداخت. همچنین سایکس معتقد بود، دولت انگلیس می‌بایست با حضور و استقرار خود در جنوب و بخصوص فارس جلو چنین تحرکاتی را سد می‌کرد. او احتمال همکاری حاکم فارس را نیز با عمال آلمانی می‌داد (سایکس، ۱۳۴۸: ۶۲۲-۶۲۳).

در اواخر سال ۱۹۱۶م/۱۳۳۴ق، و آغاز سال ۱۹۱۷م/۱۳۳۵ق، انگلیس با کمک قشون هند، کنترل نواحی جنوبی ایران و نواحی بی‌طرف سابق به غیر از اصفهان و ناحیه کوچک کوهستانی بین شیراز و بوشهر را به دست گرفت (میروشنیکف، ۱۳۴۴: ۶۱).

۳- عوامل کشتار فارسین در خلال جنگ اول جهانی

وضعیت نامطلوب در جریان جنگ اول جهانی در دو دهه نخست قرن بیستم برای ایران بسیار مهم و سرنوشت‌ساز بوده است. زیرا در آن سال‌ها وقایع مهمی چون انقلاب مشروطه و تقسیم ایران بین روسیه تزاری و انگلیس تأثیرات عمیقی از نظر سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در این سرزمین جای گذاشتند. جنگ جهانی اول و قحطی بزرگ سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۳۷ق/ ۱۹۱۷-۱۹۱۹م، که گریبانگیر ملت ایران شد، بزرگ‌ترین و دردناک‌ترین قحطی‌های تاریخ ایران بعد از حمله مغول بوده است.

هم زمان با جنگ جهانی اول در سال ۱۳۳۶ ق - ۱۹۱۷م، سراسر ایران دچار کمبود غله و خشکسالی گردید و مردم عاصی و گرسنه، در صدد شورش برآمدند. در دوره احمدشاه، در مقطعی انگلیسی‌ها درآمدهای نفتی به دولت ایران را مشروط به «تشکیل کمیسیون مالی» نمودند تا اختیار مالی این کشور را به دست بگیرند. به همین دلیل گندم نایاب شده بود و هزاران ایرانی در قحطی بزرگ پیش آمده تلف شدند. اما دولت وثوق‌الدوله تمهیداتی اندیشید و کیخسرو شاهرخ ملقب به ارباب کیخسرو، نماینده زرتشتیان در مجلس شورای ملی را مأمور خرید گندم برای تولید نان نانوائی‌ها از سایر ولایات به پایتخت نمود (هاشمی مقدم، ۱۳۸۷: ۵۸-۶۵).

به هنگام جنگ جهانی اول مسایل مختلفی، اقتصاد و اجتماع را در ایالت فارس به خود مشغول داشته بود که می‌توان آن را وجود قوای خارجی و در کنارش نزاع داخل بین نیروهای مختلف دانست، ولی طبق اظهار بعضی از منابع مشکلات اقتصادی عظیمی در طی جنگ جهانی اول بر مردم فارس فشار می‌آورد، به طوری که مهدیقلی خان هدایت از زبان مبشرالسلطان رییس تلگرافخانه فارس بیان می‌کند: «چون شهر شیراز و سایر بلوکات ناامنی در راه‌ها زیاد شده بود، اخبارش نیز به شهر نمی‌رسند و نان در کمال بدی و گرانی می‌باشد به طوری که در اطراف شهر نیز وضعیت معشوش می‌باشد و دسته دسته گروه‌های عشایری در

حال غارت و کشتار مردم می باشند و این عامل نیز مشکلات زیادی را برای مردم بوجود آورده است» (هدایت، ۱۳۷۵: ۲۷۳-۲۷۹).

در کنار مسایل سیاسی که باعث برهم ریختن نظم و امنیت در ایالت فارس شده بود، بلایای طبیعی نیز عامل دیگری برای تخریب اوضاع اقتصادی آن ایالت بود. کتاب وقایع اتفاقیه: مجموعه گزارش‌های خفیه‌نویسان انگلیس در ولایت جنوبی ایران بعضی از مسایل را روشن می‌نماید. از جمله موارد یاد شده در این کتاب می‌توان به ورود ملخ به باغستان‌ها و همچنین مالیات اضافه که مأموران دولتی از مردم درخواست می‌کردند و باران‌های ناگهانی که باعث خراب شدن بسیاری از محصولات کشاورزی شده بود، اشاره کرد (سعیدی سیرجانی، ۱۳۶۲: ۵۲۷-۵۲۹).

در آن زمان ایران در عین اعلام بی‌طرفی، بزرگ‌ترین قربانی جنگ جهانی اول بود چرا که تلفات سایر کشورهای متخاصم چه از لحاظ نسبی و چه مطلق با تلفات ایران قابل قیاس نبوده است. از بهترین توصیفات در مورد تلفات ناشی از آنفلوآنزا در شیراز و نواحی اطراف آن نوشته‌های شیخ عبدالرسول نیرشیرازی است که در ذیل می‌آید: «اگر گودال‌های عمیق اطراف شهر که هر یک سیصد چهارصد نفر گنجایش و ظرفیت داشت از اجساد انباشته و گرفته نشده بودند تا یک ماه بعد از واقعه جنازه‌ای به خاک نمی‌رسید» (نیر، ۱۳۸۳: ۲۵۲).

در بحبوحه بحران‌های مذکور، در ۱۳۳۵ق/ ۱۹۱۷م، شواهدی از وقوع خشکسالی، در پاره‌ای از مناطق ایران من جمله فارس مشاهده شد. «با شروع تابستان، وقوع قحطی به شکل جدی‌تری مطرح شد. در اواخر تیرماه ۱۲۹۶ به علت عدم بارندگی، باعث وحشت عموم شد و بدین سبب، جمعی از علمای اعلام و مقدسین، برای نماز باران، به مصلاهی خارج از شهر رفتند» (روزنامه ایران، ۱۳۳۵ق: ۲).

عبدالله مستوفی شاهد دیگری است که مشاهدات خود را چنین نگاهشته است:

«در شش ماهه آخر و فصول بارانی سال ۱۲۹۵، به همه جهت ده، دوازده ساعت بیشتر باران نیامده بود. در تمام مدت فصل بهار هم، تا بیست و هشتم ماه دوم بهار

(ثور/ اردیبهشت ۱۲۹۶) نم از آسمان پایین نیامده و در این وقت شش، هفت ساعت باران پر دشت قطره درشتی آمد؛ ولی برای زراعت بلوکات گرمسیر تهران، «نوشداروی پس از مرگ سهراب» بود. زیرا اکثر زارعین، زراعت‌های خشک شده خود را، چرانده بودند. این باران، فقط به درد بلوکات نسبتاً سردسیر تهران مثل ساوجبلاغ و شهریار که اکثراً از قنات مشروب می‌شدند. افاقه جزئی داشت. حال تمام ایران، به همین منوال بود. رودخانه‌ها، خشک و قنات‌ها هم کم آب شده بود. در ورامین، آفت سن خوارگی هم، مزید بر علت شده، آنچه از قحطی و خشکی نجات یافته بود. گرفتار این آفت شد» (مستوفی، بی تا: ۲/ ۴۹۴).

ویلسن در سفرنامه‌اش می‌نویسد: «نرسیدن مواد اولیه و عدم امنیت و تبلیغات گوناگون و رقابت آلمان و انگلیس در ایالت فارس باعث فشارهای اقتصادی و امراض مختلف در بین مردم می‌گشت. هرج و مرج، ناامنی، عدم نظم و آرامش یکی از بلیات جانسوزی است که مردم این مملکت به آن دچار گردیده‌اند و مادام که برای اعاده نظم و آرامش و استقرار امنیت اقدام به عمل نیاید اهالی روی آسایش و خوشبختی را نخواهند دید» (ویلسون، ۱۳۴۷: ۱۹۸).

در طول سال‌های جنگ جهانی اول، ایلات مقیم فارس شامل ایل قشقایی، ایلات خمسه و ممسنی بودند. علاوه بر ایلات مقیم، عشایری همچون بویراحمدی نیز در شمال ایالت فارس تابستان را می‌گذراندند (ترکمان، ۱۳۶۵: ۶۵). وجود دو ایل قشقایی به سرکردگی صولت‌الدوله و خمسه به ریاست حبیب‌الله قوام‌الملک عامل تعیین کننده‌ای در اوضاع سیاسی فارس به شمار می‌رفت. دشمنی‌های این دو ایل، موجبات آشفته‌گی بیشتری را در فارس فراهم می‌کرد (مظهری‌زاده، ۱۳۸۳: ۴۱). در اکثر درگیری‌های سیاسی علاوه بر تلف شدن بسیاری از جمعیت شهری، روستایی و عشایری باعث نابودی محصولات اقتصادی نیز گردید. متروک شدن شهرها و سقوط اقتصاد به گونه‌ای وحشتناک در فارس و سراسر کشور توسعه یافته و تجارت خارجی مخصوصاً صادرات ایران از جمله پنبه، خشکبار، برنج و ... به شدت کاهش یافته بود. از طرفی

ارسال گندم به عراق باعث قحطی و افزایش قیمت نان در فارس و سایر جاها شد (ورهرام، ۱۳۶۷: ۱۳۳-۱۳۷).

روس‌ها نیز به وسیله مرنارد سعی در متشنج ساختن اوضاع داشتند و به دنبال نقشه‌های جدیدی در این زمینه بودند. مخبرالسلطنه - والی فارس - با کنترل قوام‌الملک و صولت‌الدوله اوضاع را نسبتاً آرام کرد. اما متأسفانه در حوادث جاده شیراز - کازرون دوباره شرایط ناگواری بروز نمود و کمتر رهبر قبیله‌ای حاضر به همکاری با قوای خارجی برای برقراری نظم در فارس بود. مبشرالسلطان در تلگراف خود به تهران، وضع فارس را این چنین توصیف نمود: «ناامنی در همه راه‌ها وجود دارد و اجناس به شهر نمی‌رسد، نان در کمال بدی و گرانی می‌باشد. اطراف بسیار آشفته و دسته دسته به غارت مردم مشغول می‌باشند» (حقیقی، ۱۳۹۰: ۳۴۵/۱).

روزنامه جبل‌المتین، قحطی فارس را این گونه شرح می‌دهد:

«...از حسن مراقبت و مواظبت ایالت جلیله آقای مخبرالسلطنه، شهر و اطراف در کمال امنیت است ولی گرانی اجناس بسیار بر مردم سخت می‌گذرد. در این باب هم ایالت، محض آسایش فقرا و ضعفا ترتیبی با هیأت تجار دادند که یازده هزار تومان از دولت و شش هزار تومان از مردم اعانه گرفته تا آن که یکصد و بیست هزار من جنس خریداری کرده و قدری تاکنون هم وارد نموده‌اند و نان زیادی که با ساج می‌پزند به مباحثی خود تجار از قرار یک من دو قران به فقرا می‌دهند. از دوازده روز قبل الی اکنون که قرار داده‌اند، تقریباً سی هزار من جنس به تجار رسانیده‌اند. پول را هم مشغول مذاکره و اتمام آن هستند، اگر این اقدام از طرف ایالت و معاونت تجار نشده بود به کلی مردم از گرسنگی می‌مردند» (روزنامه جبل‌المتین، ۱۳۳۲ق، ش ۲: ۲۳).

از گزارش‌های حکومتی در شیراز می‌توان به این نتیجه رسید که عوامل گوناگونی در کشتار مردم دخالت داشتند. به عنوان مثال: نقش پلیس جنوب در این مسئله به علت تجهیزات

برتر در جنگ با ایلات و مردم، بی‌تدبیری دولت، بستن آب شهر توسط برخی از ایلات در طی جنگ و عدم هماهنگی سردار قشقایی، صولت‌الدوله با نماینده دولت در فارس و تشویق مردم به مبارزه از زبان حکمران فارس و دادن اعلامیه، کار نکردن آسیاب‌های شهر به دلیل کمبود آب، کمبود غله، خیانت بعضی از اشخاص، آوارگی مردم، وبا، آنفلوآنزا، ملخ خوارگی به خصوص در طی حکومت فرمانفرما، تشدید غارت و عدم کافی بودن امور عام‌المنفعه توسط دولت. هرچند اقدامات شخص فرمانفرما اندکی از سختی مردم را کاست، اما همچنان مشکلات وجود داشتند. در ادامه همه موارد ذکر شده که می‌تواند از عوامل مهم کشتار مردم باشد از منابع گوناگون نقل خواهد شد.

انگلیسی‌ها به هدف حفظ راه‌های جنوب نیروی پلیس جنوب را برقرار کردند. آنها که مدعی برقراری امنیت بودند خود عامل ناامنی شدند، حضور آنها منجر به بروز مشکلات متعددی گردید. قوای پلیس جنوب نیاز به آذوقه داشتند که بایستی از منطقه مستقر در آن تأمین می‌کردند. در شرایط بحرانی کمبود مواد غذایی به تشدید بحران دامن می‌زدند.

اسنادی موجود است که حاکی از خسارت نیروی پلیس جنوب به باغ‌های اطراف شیراز می‌باشد که شکایت صاحبان باغ‌ها و تقاضای پرداخت خسارت را در پی داشت (آرشیو اسناد وزارت خارجه: (۱-۲۷-۲-۴۱-۱۳۰۰).

در ۱۹ رجب ۱۳۳۶ق / ۱۹۱۸م، عده‌ای از افراد دره شوری از ایل قشقایی که در ده‌بید نزدیک خان زنیان چادر زده بودند، توسط پلیس جنوب پاسگاه خان زنیان به اتهام دزدی چند الاغ دستگیر شدند. روز بعد اهالی دره شوری به پاسگاه تیراندازی کردند. فردای آن روز یک ستوان از پلیس جنوب از شیراز اعزام شد و به دره شوری‌ها حمله کرد و عده‌ای را به قتل رساند (اتحادیه، ۱۳۹۳: ۱۰۹).

اتحادیه در کتاب زیر پوست شهر طبق گزارش‌های نظمیه چنین نوشته است:

«خبر درگیری اس. پی. آر با دره شوری‌ها و اقدامات صولت‌الدوله کم و بیش به شیراز می‌رسید، دموکرات‌ها با صولت‌الدوله در تماس بودند. طبق گزارش نظمیه

بعضی امیدوار بودند که قوام‌الملک نیز به آنها خواهد پیوست، به خصوص دموکرات‌ها به صولت‌الدوله چشم دوخته بودند که چه خواهد کرد و انتظار رهنمود داشتند. مردم سخت می‌ترسیدند و به علما رجوع می‌کردند که چه باید بکنند. همه در انتظار تصمیمات دولت بودند، ولی دولت مردد بود و رهبری نداشت و همه در بلا تکلیفی به سر می‌بردند. صولت‌الدوله به انگلیسی‌ها اعلان جنگ کرد. مدتی جنگ به نفع قشقایی‌ها چرخید، و قوای اس.پی.آر به سوی شیراز عقب نشینی کرد و قشقایی‌ها در سوم شعبان شهر را محاصره کردند که دو ماه به طول انجامید. در شیراز احساسات ضدانگلیسی بالا گرفت. دموکرات‌ها و علما تظاهرات کردند و سید عبدالحسین لاری علیه انگلیسی‌ها اعلام جهاد کرد و از سایر ایلات کمک خواستند» (اتحادیه، ۱۳۹۳: ۱۱۰).

وقتی صولت‌الدوله شیراز را محاصره کرد، پلیس جنوب پشت دیوارهای بلند باغات شمال غربی شهر موضع گرفتند و به زد و خورد با قشقایی‌ها که حمله می‌کردند پرداختند. ایلات راه آب را به داخل شهر بستند. آسیاب‌ها از کار افتاد و مردم شهر سخت در مضیقه کمبود نان قرار گرفتند (همان: ۱۱۳).

قیام آباءه مرحله آخر جنگ بود (سفیری، ۱۳۶۴: ۲۴۶). قوای قشقایی در ۲۴ رمضان به اردوی پلیس جنوب حمله برد، اما از شیراز و اصفهان کمک رسید و اس.پی.آر. فاتح گشت. سفیری شکست صولت‌الدوله را ناشی از شیوع مرض آنفلوآنزا که تعداد بسیاری از افراد ایل را از پا در آورد. خیانت برادران و بعضی از کلانتران، ناامیدی و سرشکستگی و برتری تجهیزات پلیس جنوب می‌داند (همان: ۲۷۰). رییس‌الاطباء شیراز می‌نویسد: «از جمیع نقاط فارس به طور تحقیق صد و پنجاه هزار نفر متجاوز تلف شدند» (همان: ۲۴۳).

منصوره اتحادیه نیز در کتاب زیر پوست شهر در خصوص تلفات و اوضاع فارس در جنگ جهانی اول می‌نویسد: «به علاوه طبق محاسبات انگلیسی‌ها طی جنگ ۲ میلیون از ۱۲ میلیون جمعیت فارس از بین رفت. پس از شکست قشقایی‌ها اوضاع تا حدی آرام شد. پایان جنگ

بین‌الملل در صفر ۱۳۳۷ق نیز به برقراری آرامش نسبی در ایالت فارس کمک کرد» (اتحادیه، ۱۳۹۳: ۱۱۶).

در طی حکومت فرمانفرما در فارس، قحطی، ملخ خوارگی، وبا، آنفلوآنزا، فقر عمومی و هرگونه عوارض ناشی از جنگ مانند آوارگی مردم، خرابی دهات و منازل و تشدید قتل و غارت شیوع داشت.

فرمانفرما که از ذی‌الحجه ۱۳۳۴ق/ ۱۹۱۶م، تا ۲ محرم ۱۳۳۹ق/ ۱۹۲۱م، حکمران فارس بود برای مقابله با قحطی سه راه پیشنهاد کرد. تهیه آرد، تهیه آرد تابه و تأسیس دارالعجزه. او در رابطه با مورد آخر چند دارالعجزه در شیراز دایر کرد، برای تهیه آرد باید از مالیه اصفهان یا هند وارد می‌کردند در دو دفعه مالیه اصفهان کارشکنی کرد و بالاخره در ۲۹ رجب آرد از کراچی وارد شده و میان نانویان تقسیم گردید. از نظر فرمانفرما تهیه نان برای فقرا شش تا هفت خروار جو و ذرت لازم داشت (اتحادیه، ۱۳۸۳: ۴۴۲-۴۴۱؛ میرزایی، ۱۳۸۱: ۷۵). شاهزاده فرمانفرما والی فارس که تقریباً هزار و دویست خروار آرد وارد کرده بود در صدد برآمد دوباره از هندوستان برای ایالت فارس آرد بیاورد از دولت تقاضای حذف عوارض گمرکی نمود (کاوه، ۱۳۳۶ق، ش ۲۶، ۴-۵). تا ارزانتر به دست مردم برسد.

در سال ۱۳۳۵ق/ ۱۹۱۶م، به دلیل ناامنی و غارت‌های مکرر و از طرف دیگر ملخ خوارگی شرایط بدی بر مردم حاکم گردید. همین مسئله سبب شد تا وزارت مالیه وقت مبالغی پول به فرمانفرما، حاکم فارس، بدهد تا میان مستحقین توزیع کند (اسناد ملی ایران، ۲۴۰۰۰۳۶۱۸).^۱ سند مذکور حکایت از تلاش‌های مداوم فرمانفرما برای رفع مشکلات فارس دارد.

اقدامات عام‌المنفعه او موفقیت‌آمیز بود و با تشکیل هفت دارالعجزه در شیراز و تهیه نان تابه با قیمت معقول؛ تا حدی سختی مردم را جبران کرد. هرچند به او اتهام دزدی غله می‌زدند،

^۱ - پیوست شماره ۲.

ولی حتی روزنامه‌های تندروی مخالف مانند گلستان از این اقداماتش تعریف و تمجید کردند (فرمانفرما، ۱۳۸۳: ۲/۵۵۰-۴۴۹).

نتیجه‌گیری

در یک جمع‌بندی مشخص می‌شود که موضوع کشتار، با آغاز جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴م / ۱۳۳۲ ق، به دلیل دخالت‌های بیگانگان در ایران به اوج خود رسید. نفرت مردم از روس و انگلیس و شعارهای عامه پسند در هواداری از آلمان و اتحاد امپراتوری عثمانی با آن دولت، علاقه مردم را به پیوستن به جبهه متحدین بیشتر کرد. این در حالی بود که دولت ایران به فرمان احمدشاه، اعلام بی‌طرفی کرده بود. اشغال جنوب ایران توسط انگلیس، باعث خشم و نفرت مردم آن قسمت از ایران گردید. سرکوبی شدید مردم توسط نیروهای پلیس جنوب که به بهانه مبارزه با راهزنان صورت می‌گرفت، باعث اعتراض شدید دولت ایران شد.

موجودیت پلیس جنوب که با مخالفت‌های گسترده مردم ایران و دولت‌های روسیه، فرانسه و آمریکا با قرارداد ۱۹۱۹، که بخشی از آن مربوط به ادامه حیات پلیس جنوب گردید، به خطر افتاده بود و سرانجام در نوامبر ۱۹۲۱م - ربیع‌الاول ۱۳۴۰ق، پلیس جنوب منحل شد.

خلاصه اینکه، وضع ایران در جنگ جهانی اول آشفته بود. جنوب، شمال و غرب کشور، صحنه تاخت‌وتاز انگلیس، روسیه و عثمانی بود. در جنگ جهانی اول، ایلات و عشایر مردم جنوب ایران، جهت جمع‌آوری نیرو برای مقابله با قشون متفقین، همکاری کردند. ارتش ایران تحت کنترل افسران سوئدی (ژاندارمری)، انگلیسی (پلیس جنوب) و روسی (قزاق‌ها) قرار داشت و آنها بیشتر تمایل به تأمین منافع اجانب داشتند.

به هر حال کشور ایران، متأسفانه به دلایل گوناگون از جمله: دخالت بیگانگان، درگیری‌های سیاسی جناح‌های هیئت حاکم، بی‌لیاقتی و فساد جمعی از دولتمردان، غارت زدگی و کشتارهای بی‌رویه به طور اعجاب‌انگیزی رو به گسترش بود و اوضاع نابسامان موجود را

پیچیده‌تر کرده بود. فارس نیز از این شرایط مستثنی نبود و همچون سایر مناطق کشور ناخواسته درگیر در جنگی شده بود که نتایج و عواقب بدی را برای ساکنین این ایالت به همراه داشت. حضور مهمانان ناخوانده در فارس و استفاده از امکانات موجود به وخامت اوضاع دامن می‌زد. اقدامات افرادی نظیر فرمانفرما هرچند به بهبود شرایط کمک مختصری می‌کرد اما در مجموع کارساز نبود و به حل بحران کمکی نکرد.

منابع و مأخذ

- آرشیو اسناد و کتابخانه ملی ایران، (۱۳۳۲ ق). شماره ۱۸۷۶۵-۲۹۳۰، فرمان احمدشاه قاجار، ۱ برگ.
- _____، (۱۲۹۵ش). شماره ۲۴۰۰۰۳۶۱۸، تلگراف‌نامه وزارت مالیه دولت علیه ایران درخصوص تأسیس دارالجزیه و پرداخت اعانه به اهالی فقیر و غارت‌زدگان فارس، ۲ برگ.
- _____، (۱۳۳۳ق). ورود نیروهای انگلیسی به بوشهر، ۲۹۰۰۰۷۲۰۴، ابرگ.
- آرشیو اسناد وزارت خارجه، راجع به خسارت به باغ‌های اطراف شیراز، (۱-۲۷-۲-۴۱-۱۳۰۰).
- اتحادیه، منصوره (۱۳۹۳). *زیر پوست شهر: راپورت‌های نظامیه (پلیس مخفی) شیراز منتخبی از اسناد و مدارک عبدالحسین میرزا فرمانفرما در حکومت فارس*. تهران: نشر تاریخ ایران.
- _____ و سلامی، غلامرضا (۱۳۸۳). *عبدالحسین میرزا فرمانفرما و کارنامه سیاسی و اجتماعی*، تهران: نشر تاریخ ایران.
- احمدی فر، فرشید (۱۳۸۰). کشمکش‌های دول اروپایی در فارس طی جنگ جهانی اول با تأکید بر دول آلمان و انگلیسی ۱۹۱۴-۱۹۱۸. پایان نامه کارشناسی ارشد. تبریز: دانشگاه تبریز.
- استخر، محمدحسین (۱۳۸۸). *خاطرات پیر روشن‌ضمیر (فارس، از مشروطه تا پهلوی)*. شیراز: آوند اندیشه.
- ترکمان، منوچهر (۱۳۶۵). *وزارت آموزش و پرورش*، تهران: وزارت آموزش و پرورش، شرکت چاپ و نشر ایران.
- حقیقی، خلیل (۱۳۹۰). «اوضاع سیاسی و اجتماعی فارس در جنگ اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸)»، *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی فارس در جنگ جهانی اول*. به کوشش علی اکبر صفی‌پور. شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.
- *روزنامه کاوه* (۱۳۳۶ق، جمادی الآخر) نظر اجمالی به اوضاع اخیره ی ایران، صص ۴-۵.
- *روزنامه ایران* (۱۳۳۵ق، ۲۸ رمضان)، شماره ۱۰۰، ص ۲.

- روزنامه *حبل‌المتین* (۱۳۳۲ق). شیراز، ش ۲، ص ۲۳.
- سایکس، کریستوفر (۱۳۴۸). *فعالیت‌های جاسوسی واسموس یا لارنس آلمانی در ایران*. ترجمه حسین سعادت نوری. تهران: وحید.
- سعیدی سیرجانی، علی اکبر (۱۳۶۲). *وقایع اتفاقیه: مجموعه گزارش‌های خفیه‌نویسان انگلیس در ولایات جنوبی ایران از سال ۱۲۹۱ تا ۱۳۲۲ قمری*. تهران: نوین.
- سفیری، فلوریدا (۱۳۶۴). *پلیس جنوب ایران: (اس.پی.آر)*. ترجمه منصوره اتحادیه، منصوره جعفری فشارکی. تهران: نشر تاریخ ایران.
- فخرائی، محمدجواد (۱۳۸۳). *دشتستان در گذر تاریخ*. شیراز: نوید.
- فرمانفرما، عبدالحسین (۱۳۶۶). *گزیده‌ای از مجموعه اسناد عبدالحسین میرزا فرمانفرما ۱۳۲۵ - ۱۳۴۰ هجری قمری*. به کوشش منصوره اتحادیه. سیروس سعدوندیان. ج ۲. تهران: تاریخ ایران.
- کحال زاده، ابوالقاسم، (۱۳۶۳). *دیده‌ها و شنیده‌ها (خاطرات میرزا ابوالقاسم خان کحال زاده منشی سفارت امپراطوری آلمان در ایران)*. به کوشش مرتضی کامران. تهران: فرهنگ.
- کیانفر، عین الله؛ استخری، پروین (۱۳۶۶). *کشف تلپیس*. تهران: احیا.
- محمود، محمود (بی تا). *تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن ۱۹*. ج ۸. تهران: اقبال.
- مستوفی، عبدالله (بی تا). *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه*. ج ۲. تهران: کتابفروشی زوار.
- مطهری زاده، موسی (۱۳۸۳). *ناصر دیوان کازرونی به روایت اسناد*. تهران: کازرونیه.
- میرزایی، غلامرضا (۱۳۸۱). *قشقای‌ها و مبارزات مردم جنوب*. تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- میروشنیکوف، لیف ایوانوویچ (۱۳۴۴). *ایران در جنگ جهانی اول*. ترجمه ع. دخانیاتی. اصفهان: فرزانه.
- نیر شیرازی، عبدالرسول (۱۳۸۳). *تحفه نیر*، تصحیح دکتر محمدیوسف نیر شیرازی. شیراز: بنیاد فارس شناسی.
- ورهرام، غلامرضا (۱۳۶۷). *نظام سیاسی و سازمان‌های اجتماعی ایران در عصر قاجار*. تهران: معین.
- ویلسون، آرنولد تالبوت (۱۳۴۷). *سفرنامه ویلسن یا تاریخ سیاسی اقتصادی جنوب غربی ایران*. مترجم حسین سعادت نوری. تهران: وحید.
- هاشمی مقدم، امیر (۱۳۸۷). «بازتاب: نسل کشی بزرگ در تاریخ معاصر (قحطی بزرگ)». *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*. ش ۱۲۶. صص ۵۸-۶۵.

- هدایت، مهدیقلی (۱۳۲۳). *بر من چه گذشت از خاطرات حقیر مهدیقلی هدایت* [نسخه خطی]. [تهران]: شرکت چاپخانه تابان.

- _____ (۱۳۶۱). *خاطرات و خطرات*. تهران: کتابفروشی زوار.

- _____ (۱۳۷۵). *خاطرات و خطرات: توشه‌ای از تاریخ شش پادشاه و گوشه‌ای از دوره زندگی*

من. تهران: کتابفروشی زوار.



[پیوست شماره ۱]

منشاء: استانداری فارس

شرح محتوایی: فرمان احمدشاه قاجار مبنی بر

بی طرفی دولت ایران در جنگ جهانی اول

محل در آرشیو سند: ۲۹۳۰۱۸۷۶۵

بازخوانی متن سند:

آرم شیر و خورشید

الملک لله

السلطان بن السلطان السلطان احمدشاه قاجار

نظر به اینکه در این اوقات متأسفانه بین دول

اروپ نایره جنگ مشتعل است و ممکن است

این محاربه [محل صحه همایونی] به حدود

مملکت ما نزدیک شود و نظر به اینکه روابط

ودادیه ما بحمدالله با دول متخاصمه برقرار

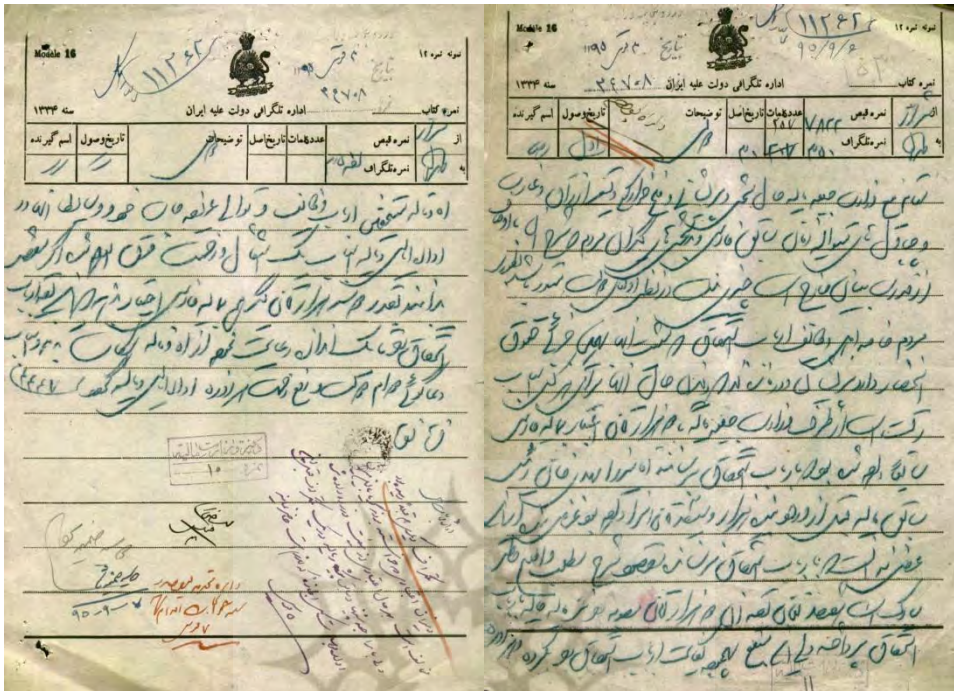
است برای اینکه عموم اهالی از نیت مقدسه

ما در حفظ و صیانت این روابط حسنه نسبت



به دول متحاربه مطلع باشند امر و مقرر می فرماییم که جناب مستطاب اجل اشرف افخم اکرم مهین دستور معظم مستوفی الممالک، رئیس الوزرا و وزیر داخله فرمان ملوکانه را به فرمانفرمایان و حکام و مأموران دولت ابلاغ دارند که دولت ما در این موقع مسلک بیطرفی را اتخاذ و روابط دوستانه خود را با دول متخاصمه کماکان حفظ و صیانت می نمایم و به این لحاظ مأموران دولت را باید متوجه نمایند که نباید وجهاً من الوجوه برآ و بجزراً کمک به همراهی و یا ضدیت هر یک از دول متخاصمه نموده و یا اسلحه و ادوات حربیه برای یکی از طرفین تدارک و یا حمل کنند و باید از طرفداری با هر کدام از دول متحاربه پرهیز و احتراز نموده مسلک بیطرفی دولت محفوظ خود را کاملاً رعایت نمایند و در تکمیل حفظ بی طرفی و صیانت روابط حسنه باز آنچه هیئت دولت ما مصلحت داند و به عرض برسد در اجرای مقررات آن امر ملوکانه شرف صدور خواهد یافت.

[پیوست شماره ۲]



معرفی سند

منشاء: وزارت دارایی

عنوان: تلگراف‌نامه وزارت مالیه دولت علیه ایران درخصوص تأسیس دارالعجزه و پرداخت اعانه به

اهالی فقیر و غارت‌زدگان فارس.

شرح محتوایی: تأسیس دارالعجزه و پرداخت اعانه به اهالی فقیر و غارت‌زدگان فارس و همچنین

پیگیری فرمانفرما در رابطه با ملخ خواریگی در آن منطقه.

تاریخ/ دوره تاریخی: ۱۳۳۴ق/ قاجاریه

بازخوانی متن سند:

[آرم شیر و خورشید]

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، نمره ۲۴۷۰۸، به تاریخ ۳ قوس سنه ۱۲۹۵.

از: شیراز

به: طهران

نمره قبض ۷۸۲۲- نمره تلگراف ۳۵۰- توضیحات دولتی

مقام منبع وزارت جلیله مالیه حال به سختی و پریشانی و ملخ خواری و تسعیر ارزاق و غارت و چپاول‌های متوالیه زمان سابق فارس و بدبختی های دیگران مردم که شرح آن با اوصاف از قدرت بیان خارج است چیزی نیست در نظر اولیای دولت مسطور باشد. به طوری مردم خاصه اهل وظایف ارباب استحقاق که معیشت آنها به همین جزئی حقوق انحصار دارد پریشان و درمانده. لذا که دیدن حال آنها برای هر کسی اسباب رقت است.

از طرف وزارت جلیله مالیه با دو هزار تومان اعتبار به مالیه فارس سابقاً داده شده بود که به ارباب استحقاق برسانند. آقا میرزا مهدی خان رئیس سابق مالیه قبل از ورود بنده هزار و سیصد تومان آن را داده بود. غرض بنده از این عرض نه آن است که به ارباب استحقاق نرسانده. مقصود شرح مطلب و اطلاع خاطر مبارک است.

هفتصد تومان بقیه آن دو هزار تومان مصوبه را حتی مالیه حالیه ارباب استحقاق پرداخته ولی این مبلغ به هیچ وجه کفایت ارباب استحقاق را نکرده و هر روزه آه و ناله مستحقین ارباب وظایف و توالی عریضه جات خود و وسایط آنها در اداره ایالتی و مالیه اسباب یک اشتغال و زحمت فوق العاده شده اگر مقتضی بدانند به قدر دو سه هزار تومان دیگر هم به مالیه فارس اختیار بدهند که آن ارباب استحقاق را تا یک اندازه رعایت نموده از آه و ناله شکایت بدهند و اسباب دعاگویی دوام حرکت و رفع زحمت هر روزه اداره ایالتی مالیه گردد. نمره ۴۴۷.

فرمانفرما- [مهر]: تلگرافخانه مبارکه فارس

[مهر]: دفتر وزارت مالیه. نمره ۱۰.

[حاشیه]: دوسیه ضمیمه شود. دوسیه ضمیمه شد. ۹۵/۹/۷

[حاشیه]: اداره محاسبات کل. تلگراف دیگری که قبلاً رسیده بود و میزان اعتباری که خواسته بودند گویا با این میزان مخالف است به هر حال اعتباری از هیأت وزراء داده شده ولی با مراجعه پیشنهاد سابق پیشکار مالیه در یک تلگراف قبل این اداره محاسبات کل اجازه‌ای که لازم است حاضر نمایند.

۵ قوس [امضاء]

[حاشیه]: به عرض برسد. مجلس

[حاشیه]: دایره محترم بودجه و سند حوالجات اقدام نمایند. ۷ قوس